

«مطالعات جامعه‌شناسی»

سال یازدهم، شماره چهل و یکم، زمستان ۱۳۹۷

ص ص ۱۲۴-۱۱۱

بررسی عوامل خانوادگی - اجتماعی مرتبط با نگرش دختران به فرار از منزل
(مورد مطالعه: دختران نوجوان ۱۹-۱۲ ساله شهر زنجان در سال ۱۳۹۷)

ربابه پورجلی^۱

سکینه قنبری^۲

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۳/۸

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۳۹۷/۱۰/۱۰

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی عوامل خانوادگی - اجتماعی مرتبط با نگرش دختران به فرار از منزل انجام شده است. چارچوب نظری مورد استفاده در این مطالعه، پای‌بندی به باورهای دینی (گلاک و استارک)، فشار عمومی (اگینر)، احساس از خودبیگانگی (ملوین سیمن) است. پژوهش حاضر به شیوه توصیفی - همبستگی اجرا شده است. جامعه آماری شامل دختران نوجوان ۱۹-۱۲ ساله شهر زنجان در سال ۱۳۹۷ با تعداد ۲۱۷۶۹ دختر نوجوان می‌باشد. داده‌ها با استفاده از پرسشنامه در بین ۳۷۷ دختر نوجوان که با روش تعیین حجم نمونه کوکران محاسبه و با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شده بودند، جمع‌آوری گردید. با توجه به تحلیل فرضیه‌ها مشخص گردید: فشار عمومی (۰/۴۷۱)، احساس از خود بیگانگی (۰/۴۸۸)، رابطه مستقیم و معناداری بر نگرش دختران به فرار از منزل دارند. در حالی که متغیر پای‌بندی به باورهای دینی (۰/۱۴۷-)، درآمد خانواده (۰/۲۸۳-)، تعداد اعضای خانواده (۰/۲۳۴-) رابطه معکوس و معناداری با نگرش دختران به فرار از منزل دارند. نتایج تحلیل رگرسیون نیز نشان دهنده این است که متغیرهای مستقل حدود ۴۳ درصد از متغیر وابسته را تبیین می‌کنند. **واژگان کلیدی:** نگرش به فرار از منزل، پای‌بندی به باورهای دینی، فشار عمومی، از خود بیگانگی.

۱. گروه علوم اجتماعی، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان - ایران (نویسنده مسئول).

E- mail: pourjabali@gmail.com

۲. دانش‌آموخته ارشد گروه علوم اجتماعی، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان - ایران.

E- mail: s.ghanbari63@yahoo.com

مقدمه

رفتار انحرافی به مفهوم رفتاری است که به طریقی با انتظارات رفتار مشترک یک گروه خاص سازگاری ندارد و دیگر اعضای جامعه نیز آن را ناپسند یا نادرست می‌دانند. در واقع هر جامعه از اعضای خود انتظار دارد از ارزش‌ها و هنجارها تبعیت کند اما همواره عده‌ای پیدا می‌شوند که پاره‌ای از این ارزش‌ها و هنجارها تبعیت نمی‌کنند. جامعه افرادی را که هماهنگ و همساز با ارزش‌ها و هنجارها باشند، سازگار یا هم‌نوا و اشخاصی را که بر خلاف آن‌ها رفتار می‌کنند، ناسازگار یا ناهم‌نوا می‌خوانند (ستوده، ۱۳۷۵: ۳۰). هیچ خانواده‌ای با فرار دختر خود از خانه موافق نمی‌باشد و این انتظار وجود دارد که دختر در کنار خانواده بوده و با آن‌ها زندگی کند، به همین خاطر فرار دختران کاری عجیب و غیر معقول است، از سوی دیگر به خاطر پیامدهای این واقعه هم برای فرد، هم برای خانواده و هم برای جامعه، نمی‌تواند نگرانی‌های موجود را کم اهمیت جلوه داد و به راحتی از آن گذشت (حقیقی، ۱۳۸۶: ۲۳). فرار دختران از خانه اگر چه در نگاه اول پدیده‌ای فردی است، اما با توجه به پیامدهای سوء آن که در نظم اجتماعی اختلال و آشفتگی ایجاد می‌کند، منشاء بسیاری از رفتارهای ضداجتماعی و انحرافی مانند خودکشی، اعتیاد به مواد مخدر و مشروبات الکلی، توزیع مواد مخدر، تشکیل باندهای فساد و فریب سایر زنان و دختران، رواج روسپیگری و شیوع انواع بیماری‌های مقاربتی و ... می‌شود و نه تنها آنان را در معرض آسیب‌های جدی روانی و جسمی قرار می‌دهد، بلکه در صورت عدم انجام اقدامات مؤثر برای حل آن بخشی از نیروی کار و تولید جامعه و سلامت جسم و روان تعداد قابل توجهی از مادران فردای جامعه از دست خواهد رفت (هاشمی و دیگران، ۱۳۸۹: ۱۶۲). فرار نوجوانان از خانه، یک مشکل و معضل حاد و عمومی مبتلا به نهاد خانواده نیست، ولی نمود آشکاری از وجود مسأله‌ای عمیق‌تر و پیچیده‌تر به نام مسأله ارتباط نوجوانان با والدین است. گاهی دختران در محیط منزل دچار مشکلاتی هستند که برای‌شان قابل حل نیست، از طرفی دیگر از یک یا چند نفر از اعضای خانواده‌ی خود به دلیل بی‌توجهی به رفع مشکلاتشان عصبانی می‌شوند و در نهایت تحمل آن‌ها به سرآمده و از منزل فرار می‌کنند و این ممکن است نشانگر وجود اختلال در کارکرد نهاد خانواده و یا سایر نهادهای جامعه باشد (جوادی یگانه، ۱۳۸۴: ۵۶). متأسفانه در کشور ایران به دلیل محرمانه تلقی شدن آمارهای رسمی جرایم اجتماعی، امکان ارائه آمار مربوط به میزان فرار دختران از منزل و مطالعه طولی - تطبیقی آن در دوره‌های زمانی مختلف و بر حسب استان‌ها وجود ندارد. لیکن، برخی از گزارش‌ها و اظهارات مسئولان و نیز پژوهش‌های پیمایشی نشان دهنده افزایش پدیده فرار دختران از منزل است و باید به عنوان یک مسأله اجتماعی دارای علل، پیامدها و دلالت‌های اجتماعی مطالعه شود، به اعتقاد اکثر روان‌شناسان و جامعه‌شناسان، ریشه اصلی آسیب‌های اجتماعی در خانواده است، زیرا خانواده به عنوان کوچک‌ترین اجتماع بشری است که عناصر آن به شدت به هم وابسته‌اند و اگر در این سیستم مشکلی ایجاد شود، در کل سیستم دگرگونی ایجاد می‌شود. بنابراین همیشه سازگاری و تفاهم بین اعضا برای کارکرد بهتر حل مسأله ضروری است. از اینرو مسأله این پژوهش

بررسی عوامل خانوادگی - اجتماعی مرتبط با نگرش دختران به فرار از به عنوان یکی از مسائل ضروری جامعه است (اردلان، ۱۳۸۲: ۱۱۸). در این راستا تمرکز اصلی پژوهش حاضر بر روی این سوال است که متغیرهای (پای بندی به باورهای دینی، فشار عمومی، احساس از خود بیگانگی، میزان تحصیلات مادر، میزان تحصیلات پدر، تعداد اعضاء خانواده، درآمد خانواده) تا چه حد با نگرش دختران نوجوان به فرار از منزل مرتبط است؟

اهداف تحقیق

هدف کلی

- بررسی عوامل خانوادگی - اجتماعی مرتبط با نگرش دختران به فرار از منزل در بین دختران نوجوان ۱۹-۱۲ ساله شهر زنجان در سال ۱۳۹۷.

اهداف جزئی

- تعیین رابطه بین میزان پای بندی به باورهای دینی و نگرش دختران به فرار از منزل
- تعیین رابطه بین میزان فشار عمومی و نگرش دختران به فرار از منزل
- تعیین رابطه بین میزان احساس از خود بیگانگی و نگرش دختران به فرار از منزل
- تعیین رابطه بین میزان درآمد خانواده و نگرش دختران به فرار از منزل
- تعیین رابطه تعداد اعضای خانواده و نگرش دختران به فرار از منزل.

چارچوب نظری تحقیق

با تأملی بر نظریه های مرتبط با نگرش به فرار از منزل می توان به این نتیجه رسید که فرار از منزل به عنوان متغیر وابسته می تواند معلول تغییر عواملی باشد. این رابطه را می توان بر اساس عقیده کولتز که نگرش ها را گونه ای از سیستم های پیچیده و منظم عقیدتی می داند که انسان ها را آماده انجام واکنش های رفتاری خاص می نمایند. علاوه بر این، این سیستم های پیچیده تمامی ابعاد رفتار بشر را تحت تأثیر قرار می دهد. نگرش برای توصیف سه بُعد رفتاری توسط دانشمندان به کار گرفته شده است: ۱. بُعد آمادگی جسمی بدن برای پذیرش محرک های بیرونی و تبدیل آن به عمل. ۲. بُعد فکری و آگاهی: یعنی انسان در ذهن خودش می داند یک چیز به چه علت خوب است یا بد. ۳. بُعد احساسی: یعنی انسان بر اساس احساس (و نه بر اساس تفکر و حساسگری) قضاوت ها و عکس العمل های ارزیابی کننده نسبت به پدیده های اطراف خود از خود عکس العمل نشان می دهد. بنابراین با بررسی نگرش دختران به فرار از منزل و چگونگی شکل گیری آن می توان تا حد زیادی به بررسی و ارزیابی عقاید، آگاهی ها و بینش های این افراد نسبت به این مسأله پرداخت و آن را به شیوه علمی بررسی کرد. بر اساس نظریه گلاک و استارک در ارتباط با پای بندی به باورهای دینی می توان استنباط کرد؛ در همه ادیان دنیا با وجود تفاوت هایی که در جزئیات

دارند، عرصه‌های مشترکی وجود دارد که در دین‌داری آن متجلی می‌شود. این عرصه‌ها که می‌توان آن‌ها را ابعاد محوری دین‌داری به حساب آورد عبارتند از: ابعاد اعتقادی، مناسکی و پیامدی. بر اساس نظریه آگینر در ارتباط با فشار عمومی می‌توان استنباط کرد؛ نظریه فشار عمومی آگینر نه ساختاری و نه فردی است بلکه سعی می‌کند تا وقوع جرمی را که ناشی از فشاری است که فرد در زندگی با آن رو به رو است، تبیین کند. آگینر عنوان می‌کند که بزهکاری نتیجه مستقیم تأثیرگذاری منفی خشم، ناکامی و احساس مضر و زیان‌آور است که به دنبال مناسبات اجتماعی مخرب و منفی به وجود می‌آید. برخلاف نظریه‌های فشار پیشین که بر فشار اقتصادی متمرکز بودند. آگینر بر پیچیده بودن فشار در جامعه مدرن تأکید داشت. از این روی در نظریه فشار عمومی منابع اصلی فشار را بیان می‌کند که این منابع عبارتند از: ۱. فشار ایجاد شده به خاطر عدم دستیابی به اهداف ارزش‌مند مثبت، آگینر استدلال می‌کند که عدم دستیابی به اهداف ارزش‌مند مثبت اولین نوع فشار در نظریه فشار عمومی می‌باشد. ۲. فشار در نتیجه حذف انگیزه‌های ارزش‌مند افراد: تحقیقات آگینر درباره ادبیات فشار منجر به کشف این شده است که رفع انگیزه‌های مثبت نیز می‌تواند سبب فشار شود. به عنوان مثال، از دست دادن دوست، نقل مکان به محل یا مدرسه جدید و طلاق یا جدایی والدین نیز می‌تواند موجب فشار باشد. ۳. فشار در نتیجه وجود انگیزه‌های منفی: فشار با حضور محرک‌های منفی یا مضر نیز می‌تواند ایجاد شود مانند، ترغیب به تعاملات اجتماعی مثل کودک-آزاری، قربانی تبهکاری شدن، تنبیه بدنی، زد و خورد خانوادگی و همسالان، شکست تحصیلی و حوادث و تنش‌زای زندگی اعم از تهدیدهای زبانی تا آلودگی هوا. بنابراین مطابق گفته‌های آگینر افرادی که در معرض فشار مکرر قرار دارند، احتمال بیشتری وجود دارد که اعمال بزهکارانه مرتکب شوند. زیرا افزایش فشار منجر به افزایش خشم می‌شود و افزایش خشم نیز منجر به جرم می‌شود. بر اساس نظریه ملوین سیمن در ارتباط با احساس از خود بیگانگی می‌توان استنباط کرد؛ انواع کاربردهای از خودبیگانگی را به گونه‌ای که بتوان آن‌ها را مورد سنجش و ارزیابی قرار داد بدین شرح مشخص نمود: ۱. بی‌قدرتی: نوعی بیگانگی است که در آن فرد احساس می‌کنند در وضعیت‌های اجتماعی که در آن‌ها کنش متقابل دارد نمی‌تواند تأثیر بگذارد، ۲. بی‌معنایی: احساس فرد مبنی بر این که او هیچ راهنمایی در سلوک و عقیده ندارد، ۳. بی‌هنجاری: عبارت از این احساس است که برای حصول به اهداف ارزش‌مند ابزار و وسایل نامشروع مورد نیاز است، ۴. نوع بیگانگی «از خود بیگانه بودن»: ناتوانی در داشتن هر نوع فعالیت ارضاء کننده خود است، ۵. احساس انزوا یا بیگانگی از جامعه، فرد خود را با آن چه از نظر جامعه ارزش‌مند و دارای اعتبار است هم عقیده و همسو نمی‌بیند.

فرضیه‌های تحقیق

- بین میزان پای‌بندی به باورهای دینی و نگرش دختران به فرار از منزل رابطه معناداری دارد.
- بین میزان فشار عمومی و نگرش دختران به فرار از منزل رابطه معناداری دارد.

- بین میزان احساس از خود بیگانگی و نگرش دختران به فرار از منزل رابطه معناداری دارد.
- بین میزان درآمد خانواده و نگرش دختران به فرار از منزل رابطه معناداری دارد.
- بین تعداد اعضاء خانواده و نگرش دختران به فرار از منزل، رابطه معناداری وجود دارد.

روش تحقیق و شیوه نمونه‌گیری

این تحقیق بر اساس اهداف، از نوع تحقیقات کاربردی است که هدف از آن توسعه دانش کاربردی در یک زمینه خاص است، بر این اساس جمع‌آوری داده‌ها و طرح تحقیق به روش توصیفی - پیمایشی است. جامعه آماری این پژوهش دختران نوجوان ۱۹-۱۲ ساله شهر زنجان در سال ۱۳۹۷ با تعداد ۲۱۷۶۹ دختر نوجوان می‌باشد که بر اساس فرمول کوکران ۳۷۷ نفر تعیین گردیده است (آمارنامه شهر زنجان، ۱۳۹۴).

برای انتخاب نمونه از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای استفاده شد. در مرحله اول شهر زنجان به سه خوشه یک، دو و سه تقسیم شد و بعد از هر خوشه دو محله به صورت تصادفی انتخاب گردید. سپس از خوشه یک محله کوی فرهنگ و شهرک کارمندان، از خوشه دو؛ شهرک لاله و کوی شهريار و از خوشه سه امجدیه و دروازه ارک انتخاب شدند. از خوشه یک، محله کوی فرهنگ ۹۸ نفر، شهرک کارمندان ۷۷ نفر؛ از خوشه دو، شهرک لاله ۶۴ نفر، کوی شهريار ۳۹ نفر؛ از خوشه سه، امجدیه ۴۲ نفر و دروازه ارک ۵۷ نفر از دختران نوجوان ۱۹-۱۲ سال به عنوان جامعه نمونه انتخاب شدند و با تهیه لیستی از منازل که نوجوان در آن‌ها حضور داشت، پرسشنامه با مراجعه به درب منزل تکمیل گردید.

تعاریف مفهومی و عملیاتی متغیرها

نگرش به فرار از منزل

نگرشی با دوام است که شامل یک عنصر شناختی و یک عنصر احساسی و یک تمایل به عمل یا رفتار است: ۱. عنصر شناختی: شامل اعتقادات و باورهای شخص درباره شی یا اندیشه‌ای است، ۲. عنصر احساسی یا عاطفی: آن است که معمولاً نوعی احساس عاطفی با باورهای ما پیوند دارد. ۳. عنصر رفتاری: تمایل به عمل و آمادگی برای پاسخگویی به شیوه‌ای خاص اطلاق می‌شود (کریمی، ۱۳۸۴: ۲۳۵). فرار مصدر است به معنای گریختن و گریز، فرار یعنی ترک محیطی که دست یافتن به تمایلات و نیازها و خواسته‌های فرد در آن محیط ممکن نیست و شرایط آن برای فرد نامطلوب است و فرد قادر به تغییر آن نیست (شعاع کاظمی، ۱۳۹۱: ۳۱۴).

تعریف عملیاتی نگرش به فرار از منزل: بر مبنای ابعاد سه‌گانه: ۱. بُعد شناختی ۲. بُعد عاطفی ۳. بُعد رفتاری نگرش به فرار از منزل اندازه‌گیری شد.

پای‌بندی به باورهای دینی

مجموعه اقدامات، رفتارها، باورها و نگرش‌هایی است که در ارتباط با اصول دین، فروع دین و دیگر حیطه‌های مرتبط با مذهب عنوان می‌شود (اینگله‌هارت، ۱۳۷۳: ۱۵۳).

تعریف عملیاتی پای‌بندی به باورهای دینی بر طبق دیدگاه گلاک و استارک: بر مبنای ابعاد چهارگانه: ۱. بُعد اعتقادات دینی، ۲. بُعد مناسک یا اعمال دینی، ۳. بُعد پیامدی (استنتاجی)، ۴. بُعد عاطفی.

احساس از خود بیگانگی

احساس یا وضعیتی است که هر فرد در رابطه با خود، دیگران و جامعه به اشکال گوناگون احساس بی‌قدرتی، احساس بی‌هنجاری، احساس بی‌معنایی، انزوای اجتماعی و تنفر از خود بروز می‌دهد. بزرگ‌ترین مصیبت انسان از خود بیگانه، نداشتن قصد و اختیار است. چنین انسانی در حقیقت اسیر ملاحظات و فرمانبردار ضوابط و معیارهای نادرستی است (عبداللهی، ۱۳۸۱: ۷۳).

تعریف عملیاتی احساس از خود بیگانگی بر اساس دیدگاه ملوین سیمن: بر مبنای ابعاد پنج‌گانه: ۱. بُعد احساس بی‌قدرتی، ۲. بُعد احساس انزوا از جامعه، ۳. بُعد احساس بی‌هنجاری، ۴. بُعد احساس بی‌معنایی، ۵. بُعد احساس تنفر از خود.

فشار عمومی

فشار برروابطی تأکید می‌کند که مانع از دست‌یابی مثبت برخی افراد به ارزش‌ها و اهداف و آرزوهای-شان می‌گردد (گیدنز، ۱۳۷۶: ۱۷۸).

تعریف عملیاتی فشار عمومی بر اساس دیدگاه آگینر: بر مبنای ابعاد سه‌گانه: ۱. بُعد شکست در نیل به اهداف ارزش‌مند، ۲. بُعد حذف محرک‌های ارزش‌مند، ۳. بُعد حضور محرک‌های منفی.

پایایی

برای انجام پایایی از آزمون آلفای کرونباخ استفاده شده است. بر اساس اعداد به دست آمده در جدول زیر مقدار آلفای کرونباخ همه متغیرها بیشتر از ۷۰٪ می‌باشد. بنابراین می‌توان پایایی آن را تأیید کرد.

جدول شماره (۱): آلفای کرونباخ گویه‌های تحقیق

شاخص‌ها	تعداد گویه‌ها	مقدار آلفای کرونباخ
نگرش دختران به فرار از منزل	۱۲	۰/۸۶
پای‌بندی به باورهای دینی	۱۲	۰/۸۷۲
فشار عمومی	۹	۰/۷۶۱
احساس از خود بیگانگی	۱۰	۰/۷۷۳

یافته‌های تحقیق

جدول شماره (۲): توصیف متغیرهای تحقیق

متغیر	پای‌بندی به باورهای دینی			نگرش دختران به فرار از منزل			نشار عمومی			از خود بیگانگی						
	بالا	متوسط	پایین	بالا	متوسط	پایین	بالا	متوسط	پایین	بالا	متوسط	پایین				
فراوانی	۹۶	۲۷۵	۶	۳۷۷	۳۹	۳۱۸	۲۰	۳۷۷	۱۱۵	۲۴۸	۱۴	۳۷۷	۱۱۷	۲۳۶	۲۴	۳۷۷
درصد	۲۵/۷	۷۲/۷	۱/۶	۱۰۰	۱۰/۳	۸۴/۴	۵/۳	۱۰۰	۳۰/۵	۶۵/۸	۳/۷	۱۰۰	۳۱	۶۲/۶	۶/۴	۱۰۰

داده‌های جدول نشان می‌دهد که تمامی پاسخگویان (۳۷۷ نفر) به سوالات شاخص میزان نگرش دختران به فرار از خانه پاسخ داده‌اند که از این میان ۶ نفر (۱.۶ درصد) سطح پائینی از نگرش به فرار از خانه داشته‌اند. ۲۷۵ نفر (۷۲.۷ درصد) سطح متوسط و ۹۶ نفر (۲۵.۷ درصد) نیز سطح بالایی از نگرش به فرار از خانه داشته‌اند. همچنین، تمامی پاسخگویان (۳۷۷ نفر) به سوالات شاخص میزان پای‌بندی دینی پاسخ داده‌اند که از میان آن‌ها ۲۰ نفر (۵.۳ درصد) بیان داشته‌اند که سطح پائینی از پای‌بندی دینی دارند. ۳۱۸ نفر (۸۴.۴ درصد) بیان کرده‌اند که دارای سطح متوسطی از پای‌بندی دینی هستند و بالاخره ۳۹ نفر (۱۰.۳ درصد) نیز بیان کرده‌اند که سطح بالایی از میزان پای‌بندی دینی دارند. داده‌های مربوط به متغیر فشار عمومی نشان می‌دهد که تمامی ۳۷۷ نفر افراد نمونه مورد مطالعه به سوال فوق پاسخ داده‌اند که از این بین ۱۴ نفر (۳.۷ درصد) بیان داشته‌اند که فشار عمومی که بر آن‌ها وارد می‌شود در سطح پایین، ۲۴۸ نفر (۶۵.۸ درصد) بیان کرده‌اند که فشار عمومی که بر آن‌ها وارد می‌شود در سطح متوسط و بالاخره ۱۱۵ نفر (۳۰.۵ درصد) بیان کرده‌اند که سطح بالایی از فشار عمومی بر آن‌ها وارد می‌شود. داده‌های مربوط به متغیر احساس از خود بیگانگی نشان می‌دهد که ۲۴ نفر (۶.۴ درصد) سطح پائینی از احساس از خود بیگانگی را دارند. ۲۳۶ نفر (۶۲.۶ درصد) بیان کرده‌اند که سطح متوسطی از احساس از خود بیگانگی دارند و ۱۱۷ نفر (۳۱ درصد) نیز بیان کرده‌اند که دارای سطح بالایی از احساس از خود بیگانگی هستند.

- بین میزان بی‌سازمانی اجتماعی و نگرش دختران به فرار از منزل، رابطه معناداری وجود دارد.

جدول شماره (۳): همبستگی بین میزان بی‌سازمانی اجتماعی و نگرش دختران به فرار از منزل

متغیر	بی‌سازمانی اجتماعی
نگرش دختران به فرار از منزل	ضریب همبستگی پیرسون .۱۸۸
	سطح معناداری (sig) .۰۰۰
	نمونه ۳۷۷

برای سنجش این فرضیه از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است. بر اساس نتایج حاصل از جدول باید گفت که بین بی‌سازمانی اجتماعی و نگرش دختران به فرار از منزل رابطه معناداری وجود دارد ($\text{sig}=0.000$). با توجه به میزان ضریب همبستگی پیرسون این رابطه (۰.۱۸۸) باید گفت که رابطه بین این دو متغیر به لحاظ شدت در سطح ضعیف و به لحاظ جهت به صورت مستقیم می‌باشد. به این معنا که هر چه میزان بی‌سازمانی اجتماعی بیشتر باشد، نگرش دختران به فرار از منزل بیشتر می‌شود و بالعکس هر چه میزان بی‌سازمانی اجتماعی کمتر باشد نگرش دختران به فرار از منزل کمتر می‌باشد. لذا فرضیه فوق را می‌توان با ۹۵ درصد اطمینان تأیید کرد.

- بین میزان پای‌بندی به باورهای دینی و نگرش دختران به فرار از منزل، رابطه معناداری وجود دارد.

جدول شماره (۴): همبستگی بین میزان پای‌بندی به باورهای دینی و نگرش دختران به فرار از منزل

پای‌بندی به باورهای دینی

نگرش دختران به فرار از منزل	ضریب همبستگی پیرسون	-۰.۱۴۷
	سطح معناداری (sig)	۰.۰۰۴
	نمونه	۳۷۷

براساس نتایج حاصل از این آزمون، بین پای‌بندی به باورهای دینی و نگرش دختران به فرار از منزل رابطه معناداری وجود دارد ($\text{sig}=0.004$). با توجه به میزان ضریب همبستگی پیرسون این رابطه (-۰.۱۴۷) باید گفت که رابطه بین این دو متغیر به لحاظ شدت در سطح ضعیف و به لحاظ جهت به صورت معکوس می‌باشد. به این معنا که هرچه میزان پای‌بندی به باورهای دینی بیشتر باشد، نگرش دختران به فرار از منزل کمتر است و بالعکس هرچه میزان پای‌بندی به باورهای دینی کمتر باشد نگرش دختران به فرار از منزل بیشتر است. لذا فرضیه فوق را می‌توان با ۹۵ درصد اطمینان تأیید کرد.

- بین میزان فشار عمومی و نگرش دختران به فرار از منزل، رابطه معناداری وجود دارد.

جدول شماره (۵): همبستگی بین میزان فشار عمومی و نگرش دختران به فرار از منزل

متغیر	فشار عمومی
نگرش دختران به فرار از منزل	ضریب همبستگی پیرسون .۴۷۱
	سطح معناداری (sig) .۰۰۰
	نمونه .۳۷۷

براساس نتایج حاصل از این آزمون، بین فشار عمومی و نگرش دختران به فرار از منزل رابطه معناداری وجود دارد ($\text{sig} = 0.000$). با توجه به میزان ضریب همبستگی پیرسون این رابطه (0.471) باید گفت که رابطه بین این دو متغیر به لحاظ شدت در سطح متوسط و به لحاظ جهت به صورت مستقیم می‌باشد. به این معنا که هرچه میزان فشار عمومی بیشتر باشد، نگرش دختران به فرار از منزل نیز بیشتر می‌شود و بالعکس هر چه میزان فشار عمومی کمتر باشد نگرش دختران به فرار از منزل نیز کمتر است. لذا فرضیه فوق را می‌توان با ۹۵ درصد اطمینان تأیید کرد.

- بین میزان احساس از خود بیگانگی و نگرش دختران به فرار از منزل، رابطه معناداری وجود دارد.

جدول شماره (۶): همبستگی بین میزان احساس از خود بیگانگی و نگرش دختران به فرار از منزل

متغیر	احساس از خود بیگانگی
نگرش دختران به فرار از منزل	ضریب همبستگی پیرسون .۴۸۸
	سطح معناداری (sig) .۰۰۰
	نمونه .۳۷۷

بر اساس نتایج حاصل از این آزمون، بین احساس از خود بیگانگی و نگرش دختران به فرار از منزل رابطه معناداری وجود دارد ($\text{sig} = 0.000$). با توجه به میزان ضریب همبستگی پیرسون این رابطه (0.488) باید گفت که رابطه بین این دو متغیر به لحاظ شدت در سطح متوسط و به لحاظ جهت به صورت مستقیم می‌باشد. به این معنا که هرچه میزان احساس از خود بیگانگی بیشتر باشد، نگرش دختران به فرار از منزل نیز بیشتر می‌شود و بالعکس هرچه میزان احساس از خود بیگانگی کمتر باشد نگرش دختران به فرار از منزل نیز کمتر است. لذا فرضیه فوق را می‌توان با ۹۵ درصد اطمینان تأیید کرد.

- بین میزان درآمد خانواده و نگرش دختران به فرار از منزل، رابطه معناداری وجود دارد.

جدول شماره (۷): همبستگی بین میزان درآمد و نگرش دختران به فرار از منزل

متغیر	درآمد خانواده
نگرش دختران به فرار از منزل	ضریب همبستگی پیرسون -۰.۲۸۳
	سطح معناداری (sig) .۰۰۰
نمونه	۳۷۷

بر اساس نتایج حاصل از این آزمون، باید گفت که بین میزان درآمد خانواده و نگرش دختران به فرار از منزل رابطه معناداری وجود دارد ($\text{sig} = 0.000$). با توجه به میزان ضریب همبستگی پیرسون این رابطه (-۰.۲۸۳) باید گفت که رابطه بین این دو متغیر به لحاظ شدت در سطح ضعیف و به لحاظ جهت به صورت معکوس می‌باشد. به این معنا که هر چه درآمد خانواده بیشتر باشد، نگرش دختران به فرار از منزل کمتر است و بالعکس هر چه درآمد خانواده کمتر باشد نگرش دختران به فرار از منزل بیشتر می‌شود. لذا فرضیه فوق را می‌توان با ۹۵ درصد اطمینان تأیید کرد.

- بین تعداد اعضاء خانواده و نگرش دختران به فرار از منزل، رابطه معناداری وجود دارد.

جدول شماره (۸): همبستگی بین تعداد اعضا و نگرش دختران به فرار از منزل

متغیر	تعداد اعضا خانواده
نگرش دختران به فرار از منزل	ضریب همبستگی پیرسون -۰.۲۳۴
	سطح معناداری (sig) .۰۰۰
نمونه	۳۷۷

بر اساس نتایج حاصل از این آزمون، باید گفت که بین تعداد اعضا خانواده و نگرش دختران به فرار از منزل رابطه معناداری وجود دارد ($\text{sig} = 0.000$). با توجه به میزان ضریب همبستگی پیرسون این رابطه (-۰.۲۳۴) باید گفت که رابطه بین این دو متغیر به لحاظ شدت در سطح ضعیف و به لحاظ جهت به صورت مستقیم می‌باشد. به این معنا که هر چه تعداد اعضا خانواده بیشتر باشد، نگرش دختران به فرار از منزل بیشتر است و بالعکس هر چه تعداد اعضا خانواده کمتر باشد نگرش دختران به فرار از منزل کمتر می‌شود. لذا فرضیه فوق را می‌توان با ۹۵ درصد اطمینان تأیید کرد.

تحلیل رگرسیون چندگانه

در این بخش با استفاده از رگرسیون چندگانه قدرت تبیین مدل تحقیق ارزیابی می‌شود. در جداول زیر نتایج این آزمون و تفاسیر آن نشان داده شده است.

جدول شماره (۹): خلاصه مدل

مدل	R	R ²	R ² تصحیح شده	خطای استاندارد برآورد
۱	۰/۶۶۴	۰/۴۴۱	۰/۴۳۴	۴.۴۰۹

جدول شماره (۱۰): نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه

مدل	ضرایب غیر استاندارد		ضرایب استاندارد شده	معناداری
	B	خطای استاندارد		
مقدار ثابت	۱۷.۲۹	۲.۶۴۵	-	۰.۰۰۰
فشار عمومی	۱۸۳.	۰.۵۰	۰.۱۹۹	۰.۰۰۰
از خود بیگانگی	۰.۱۷۴	۰.۰۴۹	۰.۲۰۴	۰.۰۰۰
پای‌بندی به باورهای دینی	-۰.۱۳۲	۰.۰۴۳	-۰.۱۲۴	۰.۰۰۲

متغیر وابسته: نگرش دختران به فرار از خانه

مطابق جدول مقدار R² تصحیح شده برابر است با ۰/۴۳۴ که حاکی از این است که نزدیک به ۴۳ درصد تغییرات مربوط به متغیر وابسته (نگرش دختران به فرار از منزل) تحت تأثیر متغیرهای مستقل تبیین می‌شود. در جدول فوق سهم هر کدام از متغیرهای مستقل در تبیین متغیر وابسته نشان داده شده است. اعداد به دست آمده نشان می‌دهد که تمامی متغیرهای مستقل آمده در پژوهش توانسته‌اند تغییرات متغیر وابسته را تبیین کنند. به ترتیب متغیر احساس از خود بیگانگی (۰.۲۰۴)، فشار عمومی (۰.۱۹۹) و در آخر پای‌بندی به باورهای دینی (-۰.۱۳۲) قرار گرفته است.

بحث و نتیجه‌گیری

بر اساس نتایج حاصل از آزمون فرضیه، رابطه معکوس و معناداری بین پای‌بندی به باورهای دینی و نگرش دختران به فرار از منزل، مشاهده شده است. به این معنا که هر چه میزان پای‌بندی به باورهای دینی بیشتر باشد، نگرش دختران به فرار از منزل کمتر است و بالعکس هر چه میزان پای‌بندی به باورهای دینی کمتر باشد نگرش دختران به فرار از منزل بیشتر است. وفاداری فرد به ارزش‌ها و اصول اخلاقی جامعه باعث دور شدن از مشارکت در امور انحرافی می‌شود. باور در نظریه هیروشی اشاره به میزان اعتباری

که فرد برای هنجارهای قراردادی اجتماع قائل است. فروپاشی باورها نخستین مرحله وقوع جرایم و جنایت‌هاست. زیرا باورها، به مثابه نیرو و اهرم مهار درونی افراد که بازتاب اجتماعی هم دارد، وقتی قدرت و مؤثر بودن خود را از دست دهد، در آن هنگام افراد بی‌باور و فاقد هویت راه هر گونه عملی را برای خود مجاز می‌دانند. اگر جوانان باور داشته باشند که برخی اعمال انحرافی و غلط است، مشارکت جستن در آن‌ها دور از تصور است. برخلاف آن، نوجوانانی که وفاداری ضعیفی به اعتقادات و ارزش‌های اجتماعی دارند ممکن است بیشتر تمایل داشته باشند که ارزش‌های آن را نادیده بگیرند و از هنجارهای اجتماعی به انحراف روند. بنابراین با افزایش باور دینی در افراد از نگرش آنان به فرار از منزل کاسته می‌شود. این نتایج با نظریه همخوانی دارد. این یافته تحقیق با پژوهش‌های علیوردی و همکاران (۱۳۹۰)، و کوچران (۱۹۸۸)، هم جهت و هماهنگ می‌باشد. هنگامی که افراد دارای اعتقادات بالایی باشند، تمایل و میزان نگرش آن‌ها برای اعمال منحرف پایین‌تر است. در این حالت، اعتقادات افراد مانع از انجام دادن برخی از اعمال منحرف و عاملی برای پیروی و احترام به قوانین و هنجارهاست. بر اساس نتایج حاصل از آزمون فرضیه، رابطه مستقیم و معناداری بین فشار عمومی و نگرش دختران به فرار از منزل، مشاهده شده است. به این معنا که هر چه میزان فشار عمومی بیشتر باشد، نگرش دختران به فرار از منزل نیز بیشتر می‌شود و بالعکس هر چه میزان فشار عمومی کمتر باشد نگرش دختران به فرار از منزل نیز کمتر است. فشار بر روابطی تأکید می‌کند که مانع از دستیابی مثبت برخی افراد به ارزش‌ها و اهداف و آرزوهای‌شان می‌گردد. بر اساس نظریه اگینر: نظریه فشار عمومی اگینر که نه ساختاری و نه فردی است، سعی می‌کند تا وقوع جرمی را که ناشی از فشاری است که فرد در زندگی با آن رو به رو است، تبیین کند. هم‌چنین این نظریه می‌تواند مقیاس‌های فشار، رابطه بین فشار و بزهکاری، رویکردهای تقابلی نسبت به فشار، عامل رفتار بزهکارانه یا غیر بزهکارانه و نظریه‌های سیاسی را مآخذ آن‌ها این نظریه است تعریف کند. اگینر عنوان می‌کند که بزهکاری نتیجه مستقیم تأثیرگذاری منفی خشم، ناکامی و احساس مضر و زیان‌آور است که به دنبال مناسبات اجتماعی مخرب و منفی به وجود می‌آید. بنابراین مطابق گفته‌های اگینر افرادی که در معرض فشار مکرر قرار دارند، احتمال بیشتری وجود دارد که اعمال بزهکارانه مرتکب شوند. زیرا افزایش فشار منجر به افزایش خشم می‌شود و به دنبال افزایش خشم نیز منجر به جرم می‌شود. این نتایج با نظریه همخوانی دارد. این نتیجه با یافته‌های تحقیق علیوردی‌نیا، خوش‌فر و اسدی (۱۳۹۰)، همخوانی دارد. بر اساس نتایج حاصل از آزمون فرضیه، رابطه مستقیم و معناداری بین احساس از خود بیگانگی و نگرش دختران به فرار از منزل، مشاهده شده است. به این معنا که هر چه میزان احساس از خود بیگانگی بیشتر باشد، نگرش دختران به فرار از منزل نیز بیشتر می‌شود و بالعکس هر چه میزان احساس از خود بیگانگی کمتر باشد نگرش دختران به فرار از منزل نیز کمتر است. یکی از علل مهم فرار دختران، درونی نکردن هنجارهای اجتماعی و نهایتاً جامعه‌پذیری و فقدان کنترل اجتماعی درونی است. هم‌چنین فرایند عدم پیوستگی موجب می‌شود نوجوانان فراری با هنجارهای مرسوم اجتماعی تطابق نداشته باشند. در این

صورت نوجوان احساس جدایی و انفصال و خصومت نسبت به دیگران و اجتماع و سازمان‌های اجتماعی می‌کند. بر اساس نظریه کید و کرال (۲۰۰۲)، علت فرار داشتن احساساتی مانند طرد، بی‌ارزش بودن در خانواده و انزوا و فقدان کنترل است. دختران فراری که مورد غفلت، طرد و تبعیض واقع شده‌اند. در معرض عزت نفس پایین، افسردگی و دستاوردهای اندک (تحصیلی و ...) قرار دارند. یکی از دلایل عدم توجه به این دختران این است که آن‌ها به خانواده‌های آشفته تعلق دارند. این خانواده با کنش‌ها و اختلالات رفتاری نظیر غیر منطقی بودن، دعوا، تعارض و ... مشخص می‌شوند و اعضای آن دارای شخصیت‌های مخرب و غیرعادی هستند که فضای خانه را به اضطراب و تنش می‌کشاند. هر چند والدین در چنین خانواده‌هایی حضور فیزیکی دارند، اما فضای حاکم بر خانواده توأم با طرد فرزندان، عدم محبت و بی‌توجهی به مسائل آن‌ها می‌باشد. فرد به دلیل کمبود محبت و تربیت ناصحیح، در مواجهه با یک محبت کاذب اقدام به فرار می‌کند. والدین چنین خانواده‌هایی در کانون ارتباطات خانوادگی حضور فعال ندارند و فرزندان به حال خود رها شده‌اند و روابط آن‌ها فاقد هر نوع نظارت صحیح می‌باشد و کارکرد تربیتی و کنترل غیررسمی خانواده تضعیف شده، آرزوهای بی‌حد و آنومیک شدت یافته و زمینه هنجارشکنی فرزندان فراهم است. این نتیجه با یافته‌های تحقیق اردلان، سیدان و ذوالفقاری (۱۳۸۷)، و شامحمدی (۱۳۹۲)، همخوانی دارد. بر اساس نتایج حاصل از آزمون فرضیه، رابطه معکوس و معناداری بین میزان درآمد خانواده و نگرش دختران به فرار از منزل، مشاهده شده است. به این معنا که هرچه درآمد خانواده بیشتر باشد، نگرش دختران به فرار از منزل کمتر است و بالعکس هرچه درآمد خانواده کمتر باشد نگرش دختران به فرار از منزل بیشتر می‌شود. تحقیقات نشان می‌دهد مشکلات مالی خانواده‌ها در فرار دختران از محیط خانواده تأثیرگذار است. بنابراین بهتر است که خانواده‌ها با آگاهی از این عامل سعی در ایجاد رفاه اقتصادی بیشتر برای دختران در محیط خانواده نمایند، این نتیجه با یافته‌های تحقیق فنیکل و همکاران (۱۹۹۰)، و شیری (۱۳۸۵)، همخوانی دارد. بنابراین فقر رابطه مستقیم و مثبتی با ناهنجاری‌های اجتماعی دارد. براساس نتایج حاصل از آزمون فرضیه، رابطه مستقیم و معناداری بین تعداد اعضاء خانواده و نگرش دختران به فرار از منزل، مشاهده شده است. به این معنا که هرچه تعداد اعضا خانواده بیشتر باشد، نگرش دختران به فرار از منزل بیشتر است و بالعکس هرچه تعداد اعضا خانواده کمتر باشد نگرش دختران به فرار از منزل کمتر می‌شود این نتیجه با یافته‌های تحقیق حسین‌پور (۱۳۹۵)، همخوانی دارد.

پیشنهادها

- ارائه آموزش‌های مختلف به والدین در خصوص نحوه رفتار با فرزندان از طریق رسانه‌های گروهی خصوصاً رادیو و تلویزیون.

- استفاده از مددکاران و مشاوران با تجربه در مدارس، پارک‌ها، ترمینال‌ها و راه‌آهن برای شناسایی دختران فراری، رفع موانع قانونی برخورد با والدینی که نوجوانان و کودکان خود را مورد آزار و اذیت قرار می‌دهند.

- تهیه و نمایش فیلم‌های آموزشی درباره اثرات انواع روش‌های نادرست تربیتی (از جمله محدودیت‌های زیاد، آزادی‌های بیش از حد، فاصله عاطفی با فرزندان و ...) برای اطلاع والدین مفید خواهد بود.

منابع

- اردلان، علی. (۱۳۸۲). بررسی فرار دختران از منزل، فصلنامه رفاه اجتماعی. سال دوم، شماره ۵.
- اینگلهارت، رونالد. (۱۳۷۳). تحول فرهنگی در جوامع پیشرفته صنعتی. ترجمه: مریم، وتر. تهران: انتشارات کویر.
- جوادی یگانه، محمدرضا. (۱۳۸۴). مسئله دختران فراری. انتشارات دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی دانشگاه تهران.
- حقیقی، جمال. (۱۳۸۶). شناسایی عوامل مؤثر بر فرار دختران و بررسی رابطه این عوامل با اختلالات روانی آنان در استان خوزستان، پژوهش‌های تربیتی و روانشناختی. دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه اصفهان، سال سوم، شماره دوم، شماره ۸.
- ستوده، هدایت‌الله. (۱۳۷۵). آسیب‌شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات). تهران: انتشارات آوای نور.
- شعاع‌کازمی، مهرانگیز. (۱۳۹۱). آسیب‌های اجتماعی (نو‌پدید) با تأکید بر تئوری‌های زیربنایی و راهکارهای مقابله‌ای. تهران: آوای نور.
- عبداللهی، محمد. (۱۳۸۱). آسیب‌های اجتماعی و روند تحول آن در ایران. مجموعه مقالات اولین همایش ملی آسیب‌های اجتماعی در ایران، تهران، انجمن جامعه‌شناسی ایران جلد (۱).
- کریمی، یوسف. (۱۳۸۴). روان‌شناسی شخصیت. تهران: دانشگاه پیام نور.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۷۶). نظریه‌های جامعه‌شناسی. ترجمه: محسن، صبوری. تهران: نشر نی.
- هاشمی، سیدضیاء؛ فاطمی امین، زینب؛ و فولادیان، مجید. (۱۳۸۹). پیامدهای فرار دختران از منزل، فصلنامه علمی- پژوهشی رفاه اجتماعی. سال یازدهم، شماره ۴۰.